۶

نگاهی به مقام



متن سخنرانی استاد حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به مقام حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دار العرفان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به مقام حضرت خدیجه سلام الله علیها

مشخصات کتاب

سرشناسه:انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور:نگاهی به مقام حضرت خدیجه سلام الله علیها/مولف حسن انصاریان.

مشخصات نشر:قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری:۳۵ص.؛۹×۱۹/۵س.م

شابک::۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۳۰-۰:۳۵۰۰۵ریال

موضوع:خدیجه سلام الله علیها بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت.

موضوع:زنان مقدس مسلمان

رده بندی کنگره:BP۲۶/۲/الف۸۶ن۸ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی:۲۹۷/۹۷۲۲

شماره کتابشناسی ملی:۱۹۴۸۲۳۷

ص :۱

اشاره

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی ها محفوظ می دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می باشد.

در این خصوص، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژ آن ها در حیات انسانی، ضروری احساس می شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقّق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی های معظّم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی های استاد نیز تشنگانِ معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج

ص:۷

ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از بیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین حبیب الهنا وطبیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه وعلی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین

در جستجوی سرچشمهٔ کوثر

انسانی که شاغول زندگی خود را دستورات خداوند، انبیاء و ائمه قرار می دهد، به فرمودهٔ قرآن مجید، تبدیل به انسانی مستقیم خواهد شد. ریش کلمهٔ «مستقیم»، «ق و م» است، به معنای پایدار، استوار و پابرجا؛ وجودی که در دنیا از حملهٔ همهٔ خطرات معنوی در امان است، و در قیامت هم از طوفان های قیامت، فزع اکبر، عذاب خدا و آتش جهنم محفوظ است. این دو برنامه که یکی دنیایی است و یکی آخرتی، بهرهٔ مستقیم بودن است. وجود یک چنین انسان هایی، منافع مهمی برای دیگران و برای خودشان دارند. حالات این افراد، اخلاقشان، اعمالشان، منشـشان و روششان، تربیت کنندهٔ نفوس و رشددهندهٔ دیگران است، و آن ها دیگران را در کنار خودشان مستقیم بار می آورند. هر یک نفری که به خاطر آن ها مستقیم

شود؛ چنان که امام ششم علیه السلام با توضیح تأویلی یکی از آیات قرآن (۱)، می فرماید: ثوابش برای آن ها، مساوی با این است که تمام انسان های آفریده شده، توسّط آن ها مستقیم شده اند. از این رهگذر، بهره های ابدی خالص و دایمی و همیشگی به فرمودهٔ قرآن، نصیب آن ها می گردد. گاهی این گونه از افراد، جمع خانواده شان این چنین است؛ یعنی شوهر و همسرش، فرزند، عروس و داماد همگی مستقیم هستند، به خاطر این که همّشان عاشقانه، عارفانه بوده و با رغبت، با میل، با شوق، شاغول الهی را که یا کتاب های آسمانی است یا قرآن و یا نبوت، برای مستقیم بالا آمدن خودشان به کار گرفته اند. قوی ترین خانواده، مستقیم ترین و سودمندترین در این عالم، در اولین و آخرین، خاندان وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است که قرآن کریم تحت عنوان، اهل بیتی که «یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً» (۲)هستند، از آن ها نام برده است.

۱- ((۱)) *. اشاره به آیهٔ ۳۲ سورهٔ مائده.

۲- ((۲)) ۱. احزاب:۳۳ .

آن هایی که چه در عالم ظاهر؛ یعنی زمان حیات دنیویی این خانواده، چه در عالم معنا؛ یعنی بعد از پرواز این خانواده به جانب خدا، وارد این خانه و این بیت شدند و متوسّل به این خانواده گشتند، فقط محض خاطر این بود که مستقیم شوند و وجودشان از معنویت، منش و روش آن ها بهره ببرد و تبدیل به انسان مستقیم بشوند. یکی از آن هایی که در زمان خودشان وارد این خانه شد، خانمی بود که به عنوان کار گری، و یا به عبارت ساده تر، به عنوان کلفتی وارد این خانه شد:

مردی می گوید که من در بیابان داشتم از جایی عبور می کردم که به خانم تنهایی برخوردم. ناراحت شدم و دلم سوخت که در این بیابان بی سر و ته عرب، چی شده که این زن در این بیابان تنها و جدا مانده است. آمدم جلو و گفتم که کی هستی و چکاره ای؟ چرا در این جا قرار گرفتی؟ برگشت به من گفت: «فَقُلْ سَلامٌ» (۱)، «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» . (۲)این آیه های قرآن را خواند

ص:۱۱

۱- (۱)) ۱. انعام: ۵۴.

۲- (۲)) ۲. انعام: ۶۷.

که بگوید چرا ادب نکردی؟ مگر نگفتند به هر کس وارد شدی، اول سلام کن. جواب بگیر و بعد بپرس. دیدم درست می گوید. این چه زنی است که به من با محاسن سفیدم درس می دهد؟ معلوم می شود که ما هنوز خیلی ادب نشده ایم. گفتم: خانم! این جا چه کار می کنی؟ او در جواب من این آیه را خواند: «وَ مَنْ یَهْدِ اللّهُ فَما لَهُ مِنْ مُضِلٍّ» (۱)؛ این سؤال تو بی جاست کسی که در مدار هدایت خدا است، خیال می کنی گم شده؟ گم شده به آن می گویند که دین ندارد. کسی که دین دارد، هر کجا باشد، پیدا می شود. بر این خزانهٔ خلقت، گوهر آشکار، حق است. گفتم: آدمی هستی، جنّی، پری ای؟ هیچ سخنی نمی گویی جز این که قرآن می خوانی. آخر جزء چه طایفه ای هستی؟ او در جواب این آیه را خواند: «یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ» . (۲) فهمیدم آدمیزاد است. گفتم از کجا می آیی؟ این آیه را خواند: أُولئِکَ

۱- ((۱)) ۳. زمر:۳۷.

۲- ((۲)) ۱. اعراف: ۳۱.

يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ». (۱)از این سخن معلوم شد او از راه دوری آمده است. گفتم: کجا می روی؟ گفت: « وَ لِلّهِ عَلَى النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً ». (۲)فهمیدم قصد کعبه را دارد. گفتم چند روز است که در سفر حج آمدی؟ گفت: «خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما فِي سِتَّةِ أَيّامٍ» (۳). با آیه به من فهماند شش روز است که به این سفر آمده. گفتم: آیا در این پنج و شش شبانه روز غذا خورده ای؟ در جواب این آیه را خواند: «وَ ما جَعَلْناهُمْ جَسَداً لا يَأْكُلُونَ الطَّعامَ» (۴): خداوند جسد و بدن آنان (انبیا) را طوری قرار نداده است که طعام نخورند. گفتم که پس عجله کنید تا از این جا برویم و به قافله برسیم. اگر بتوانیم به قافله برسیم، از این بیابان نجات پیدا می کنیم. گفت: « وَ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلاّ وُسْعَها ». (۵)

ص:۱۳

۱- (۱) ۲. فصلت:۴۴.

۲- (۲) ۳. آل عمران:۹۷.

۳- (۳) ۴. فرقان:۵۹

۴- (۴) ۵. انبیاء: ۸.

۵- (۵) ۱. مؤمنون: ۶۲.

می خواست به من بفهمانـد که قـدرت پایش همین مقـداری است که می بینم و این قـدرت را نـدارد که بخواهد بدود وچنین کـاری در توانش نیست. به او گفتم: بیـا پشت سـر من سوار مرکب من شو تا هر دو با یک مرکب برویم. گفت: «لَوْ کانَ فِیهِما آلِهَهٌ إِلاَّ اللّهُ لَفَسَدَتا فَسُبْحانَ اللّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمّا یَصِفُونَ» (۱) با خوانـدن این آیه خواست به من بگویـد چگونه ممکن اسـت یـک مرد نامحرم و زن نامحرم یک جا سوار بشونـد؟ چون وقتی بـدنشان نزدیک هم باشـد، تولیـد فساد می کنـد. گفتم: شـما منظور من را از دعوت کردن به سوار شدن، به اشـتباه فهمیدی. بعد پیاده شدم و گفتم: شـما سوار شوید، و سوار شد و این آیه را خواند: «سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنّا لَهُ مُقْرِنِینَ» . (۲) تا به قافله رسـیدیم، گفتم: خانم! در این قافله کسی را داری که آشنای تو باشد؟ چهار آیه خواند: «وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ» (۳)،

۱- (۱)) ۲. انبیاء: ۲۲.

۲- (۲)) ۳. حم: ۱۳.

۳- (۳)) ۴. آل عمران: ۱۴۴.

«یا یَحْیی خُذِ الْکِتابَ بِقُوَّهٍ وَ آتَیْناهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا» (۱)، «یا داوُدُ إِنّا جَعَلْناکَ خَلِیفَهً فِی الْأَرْضِ فَاحْکُمْ بَیْنَ النّاسِ بِالْحَقِّ» (۲)، «یا موسی..... إِنَّنِی أَنَا اللّهُ لا إِلهَ إِلاّ أَنَا فَاعْبُدْنِی» (۳) با خواندن این آیات به من فهماند که آشناهایش در این سفر و در این قافله، آن چهار نفری هستند که در این چهار آیه، اسمشان برده شده است. به کنار قافله که رسیدیم، هر چهار نفر آنان آمدند و دورش را گرفتند. او سمت من برگشت و رو به من این آیه را خواند: «اَلْمالُ وَ الْبَنُونَ زِینَهُ الْحَیاهِ الدُّنْیا» (۴) . با قرآن به من گفت این ها پسران من هستند. بعد رو کرد به هر چهار نفرشان، و با این آیه: «یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمِینُ» (۵) به آن ها فهماند که ای بچه های من! این فرد برای نجات من زحمت کشید و

۱- (۱)) ۱. مریم: ۱۲.

۲- (۲)) ۲. ص: ۲۶.

۳- (۳)) ۳. طه:۱۱-۱۴.

۴- (۴)) ۴. کهف:۴۶.

۵- (۵)) ۵. قصص: ۲۶.

کارش را بی ارزش ندانید و در برابر زحمتش، به او پول بدهید. پسرانش پول که دادند، او نگاهی به پول کرد و با خواندن این آیهٔ قرآن: «وَ اللّهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ» (۱) ، به پسرانش فهماند که پولی که داده اند، کم است و باید آن را اضافه کنند. به پسرانش گفتم: من که از این زن مات زده شده ام، می خواهم بدانم او کیست؟ گفتند: مادرمان کنیز حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بود و بیست سال است با غیر از قرآن، با ما حرف دیگری نزده است. (۲)نتیجهٔ این حکایت این است که کُلْفَت و کارگر این خانواده، خودش شاغول می شود برای خانواده های جهان؛ یعنی قرآن، همهٔ خانواده ها، خانواده های مؤمن و اسلامی را این گونه می خواهد باشد: «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ» (۳) : من شما مردم مسلمان و امت اسلام را در همهٔ خوبی ها، گواه و شاهد بر

۱- (۱) ۱. بقره:۲۶۱.

۲- (۲) ۲. مناقب آل ابی طالب، ج۳، ص۱۲۱- ۱۲۲.

۳- (۳) ۳. بقره:۱۴۳.

مردم عالم می خواهم که همـۀ منش، روش و رفتارتان شاهـد بر خوبی ها باشـد و مردم دنیا هر چیزی از شـما می بیننـد، آن را مثبت ببیننـد؛ خوبی ببیننـد؛ پاکی ببیننـد؛ درستی ببینند. شـما خانوادۀ مسـلمان، از مرد و زن، از پیر و جوان، از دولت و ملت، از ثروتمند و فقیرتان باید شبیۀ اهل بیت: باشد.

سرچشمۀ کوثر

این کلفت خانـۀ آنـان بود که روش، منش، حال، اخلاق و اعمال او، روش، منش، حال، اخلاق و اعمال فاطمـۀ زهرا سـلام الله علیها شده است؛ یعنی فاطمۀ زهرا سـلام الله علیها که مستقیم ترین زن در جهان خلقت است، این مستقیم بودنش را، استقامتش را و درست بـودنش را، نه بـا زبـان، بلکه به صـورت عملی به یـک کلفت انتقـال داده، و از نظر وجودی، این کلفت تبـدیل به مصداق عینی قرآن شده است.

آنچه گفتیم، این پرسـش را پیش می آورد که حضـرت زهرا سلام الله علیها خود، این همۀ مایه های بی نهایت مثبت را از کجا آورده است؟ باید در شیر حضرت

زهرا سلام الله علیها دقت کرد که چه سینه ای به این دختر شیر داده و چه شیری به او داده است، و آن مادری که این دختر نه ماه در رحم او رشد کرده، دارای چه حالاتی بوده است. او چه اخلاقی و چه کرامتی داشته است. او چقدر مستقیم بوده است که از طریق رحم، از طریق شیر، از طریق عمل، از طریق اخلاق، در این دختر جلوه کرده، مگر نه این که قرآن مجید می گوید، اول وجود مادر و بعد، وجود پدر، در وجود فرزند جلوه می کند، و هر چه در پدر و مادر باشد، در وجود بچه سر در می آورد. مصالح ساختمان وجود بچه، مربوط به پدر بوده و نود درصدش مربوط به مادر است: «اشْهَدُ انَّکِ کُنْتِ نُوراً فِی الأَصْلابِ الشَّامِخَةِ وَ الأَرْحامَ الْمُطَهَّرَةِ» . (۱) حالا ببینید خدیجهٔ کبری سلام الله علیها چگونه زنی بود؟ با تحقیقاتی که خود من در مهم ترین کتاب ها کرده ام و در این تحقیقاتم به یقین رسیده ام، این است که قبل از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ، خدیجهٔ کبری سلام الله علیها حاضر نشد، احدی از افراد مکه را به عنوان شوهر انتخاب کند؛ چون فردی را از نظر

۱- (۱)) ۱. زیارت اربعین، به نقل از سید بن طاووس، الاقبال، ج۳، ص۱۰۱.

اخلاق، روش، منش و عقل و خرد هم شأن خودش نمی دید. او خانمی بود با اندیشه، عاقل، متفکر، دانا، بینا و دارای بصیرت، و حاضر نشد کنار یک بت پرست و مُشرک یک روز را هم به سر ببرد. این خانم تا چهل سالگی ازدواج نکرد (۱)، و مطلقاً افرادی که می گویند ایشان قبل از پیغمبر دو بار ازدواج کرده است، سخنی را می گویند که در کتاب های اهل سنت آمده (۲)، آن هم تا یک قرن معیّنی که این خبر آن جا قطع شده و قبل از آن، دیگر چنین مسأله ای در کتاب های گذشت آنان وجود نداشته است؛ یعنی این تحقیقات کاملاً نشان می دهد که این دو شوهر نسبت داده شده به حضرت خدیجه سلام الله علیها ، ساختگی، دروغ و قلابی بوده است.

حضرت خدیجه سلام الله علیها که به سنّ چهل سالگی که می رسد، دارای ثروت فراوانی است و عده ای هم با ثروت او کار می کنند و حق العمل می گیرند. از جمله کسانی که حاضر شد با کاروان تجارتی

۱- (۱)) ۱. حمیری قمی، قرب الاسناد، ص۲۲۵ - حسین بن حمدان حصیبی، الهدایهٔ الکبری، ص۴۰ .
۲- (۲)) ۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص۲۰.

حضرت خدیجه به شام برود، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود که در آن زمان حدود بیست و چهار سال داشت. کاروان تجارتی خدیجه، از برکت قدم پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ، تنها با رفتن به یک سفر شام، سود فراوانی کرد. با برگشتن این کاروان، خدیجه به غلامش میسره گفت: از ماجرای رفتن و برگشتن کاروان چه خبر؟ او به خدیجه کبری سلام الله علیها گزارش داد که برخلاف هر بار، این بار کسی در کاروان بود که معدن ادب، فضیلت، پاکی، امانت، کرامت، صداقت، اصالت خرد و معرفت، درستی، وقار و آرامش بود. این مجموعه را میسره برای خدیجه سلام الله علیها گفت. این فضایل، کرامات، درستی ها، واسطه حضرت خدیجه سلام الله علیها شد برای ازدواج با این شخصیت دوست داشتنی. (۱) این ازدواج تنها و برای محض تأمین غریزهٔ جنسی انجام نگرفت. اگر پای بدن در کار بود، همان وقت که حضرت سیزده و چهارده ساله بود، ازدواج می کرد، و هر کسی هم از او خواستگاری می کرد، آن را قبول می کرد و این قدر منتظر نمی ماند؛ امّا این خانم آمد و حاضر شد با

۱- (۱)) ۱. الهدایهٔ الکبری، ص۵۱ .

شرافت ازدواج کند؛ با کرامت، با فضیلت، با درستی، با صدق، با وفا، با صفا، با عقل، ازدواج کند. برای همین، به روایتی خود خانم به خانوادهٔ پیغمبر پیشنهاد داد که اگر جوانتان برای ازدواج حاضر است و دربارهٔ سنّ من ایرادی ندارد، من حاضرم با او ازدواج کنم. (۱) پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می دانست که چه کسی به او پیشنهاد ازدواج داده است. پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم خبر داشت که این خانم با همهٔ ثروتش، دنیای عفّت و عصمت است؛ دنیای پاک دامنی و فضیلت است. پیغمبر هم که ملاک ازدواجش، نه جوانیش بود، و نه غریزهٔ جنسی و شهوت، این پیشنهاد را پذیرفت و با آدمیت، انسانیت و عقل ازدواج کرد. این چنین است که باید محصول این ازدواج، فاطمه سلام الله علیها بشود؛ یعنی دو عقل، دو خرد، دو فضیلت، دو کرامت، دو عظمت، دو دریای صدق و وفا، با همدیگر، وجود فاطمه زهرا سلام الله علیها را تشکیل می دهند. زهرا سلام الله علیها از یک طرف خدیجه سلام الله علیها است، و از یک طرف، پدرش، پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ، است.

۱- (۱)) ۱. الهدایهٔ الکبری، ص۵۲.

چله نشینی پیامبر به دستور خدا برای متولّد شدن فاطمه

ازدواج صورت گرفت. جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ! خدا می فرماید، چهل روز روزه بگیر و خانۀ خدیجه را هم ترک کن. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم تا شب چهلم، چهل روز روزه گرفت. یکی از یاران باوفایش را فرمود، به در خانۀ خدیجه سلام الله علیها برود و از طرف او بگوید: خدیجه بزرگوار! من قهر نکرده ام، بلکه من به دستور خدا، خانه را ترک کردم و به زودی برخواهم گشت و هیچ عیب و علتی در بین نیست و تنها من باید چهل روز از شما کناره گیری کنم و دستور خدا چنین است، و برای این که بدانی خدیجه تو کیستی، به تو خبر می دهم که پروردگار در شبانه روز، چندین بار، به وجود تو بر تمام ملائکه مباهات می کند. شب چهلم جبرئیل علیه السلام آمد و گفت: درب را ببندید و وقت افطار کسی را در خانه راه ندهید. بعد طَبَقی جلوی پیغمبر گذاشت و گفت: با این طعام افطار کن. سپس طبق را گشود. در آن

خوشه هایی از خرما و انگور که قسمتی از آن خورده شده بود، قرار داشت. پیامبر با آن طعام افطار کرد و بلند شد و به سمت محراب عبادت رفت. جبرئیل علیه السلام شانه اش را گرفت و گفت: خدا می فرماید عبادت امشب تو، رفتن به نزد خدیجه سلام الله علیها است. الآن تو با چهل شبانه روز روزه و عبادت، آمادهٔ این شده ای که ریشهٔ زهرا سلام الله علیها در وجودت جوانه بزند و باید این ریشه را امشب به خدیجه منتقل نمایی. (۱) فاطمه سلام الله علیها در آن جا باید نُه ماه تربیت شود و رشد کند. این رحم پاک ترین رحم عالم است. اگر رحم دیگری شایستگی زهرا سلام الله علیها را داشت، او در آن رحم رشد می کرد.

سخن گفتن فاطمه با خدیجه در شکم مادر

خدیجه کبری سلام الله علیها که حامله شد، یک روز پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و دید در خانه صدای صحبت می آید. ایشان در اتاق را باز نکرد تا صحبت خدیجه سلام الله علیها تمام بشود. این رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ؛ یعنی

۱- (۱)) ۱. بحارالانوار، ج۱۶، ص۷۸ -۸۰.

ادب بکنید و در حرف مردم ندوید. حرف های آن ها با هم که تمام شد، دید که خدیجه سلام الله علیها تنهاست و خانم دیگری هم پیشش نیست. به خدیجه سلام الله علیها گفت: پس شما با چه کسی حرف می زدی؟ خدیجه سلام الله علیها گفت: آقا! با این بچه ای که در رحم دارم. این کار، باعث آرامش و مایهٔ قرار من شده است. او با من حرف می زند و به من دلداری می دهد. این بچه، مسایل شگفت انگیزی را برای من مطرح می کند. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خدیجه سلام الله علیها ! به من خبر داده اند که این بچه دختر است و مادر یازده امام و همسر امام. این عنایت را خدا نسبت به تو انجام داد. (۱)

اظهارات شگفت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دربارهٔ خدیجه سلام الله علیها

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اظهارات شگفتی را دربارهٔ خدیجه سلام الله علیها ابراز کرد. چه شگفت است این

ص:۲۴

۱- (۱)) ۱. ابن حمزهٔ طوسی، الثاقب فی المناقب،ص۲۸۵.

نظریاتی که وجود مقدّس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دربارهٔ خدیجه کبری سلام الله علیها داشت و این زن چه زن فوق العاده ای بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «اَفْضَلُ ُنَسَاءِ الْجَنَّةِ ارْبَعٌ: خَدِیجَةُ بِنْتِ خُوَیْلِدٍ، وَ فَاطَمَةُ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ مَرْیَمُ بِنْتِ عِمْرَانَ، وَ آسِیَةُ بِنْتِ مُزَاحِمٍ، امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ» (1): برترین زنان هشت بهشت، چهار زن بوده و بیش تر نیستند: خدیجه سلام الله علیها ، فاطمه سلام الله علیها ، مریم، آسیه. ببینید با این شاغول قرآن، خدیجه سلام الله علیها تا کجا پرواز کرد. او آمد و در کنار زهرا سلام الله علیها ، مریم و آسیه قرار گرفت. بهترین زنان بهشت، چهار نفرند: مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمّد، و آسیه بنت مزاحم، زن فرعون. امام موسی کاظم علیه السلام فرموده: «قَالَ رَسُولُ اللهِ: انَّ اللَّه اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ ارْبَعَاً: مَرْیَمَ، وَ آسِیَةَ، وَ خَدِیجَةَ، وَ فَاطَمَةَ» (2): صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: خدا از نظر

۱- ((۱)) ۱. احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ص۷۶.

۲- ((۲)) ۲. بحارالانوار، ج۱۴، ص۲۰۱.

ایمان ، اخلاق و عمل، به تمام زنان اولین و آخرینشان نظر کرد و چهار زن را به عنوان بندگان برتر، انتخاب کرد: مریم، آسیه، خدیجه سلام الله علیها و فاطمه سلام الله علیها .

پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «اِشْتَاقَتِ الْجَنَّةُ إِلَی اَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ : مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ ، وَ آسِیَةِ بِنْتَ مُزَاحِم، زَوْجَةِ فِرْعَوْنَ، وَ هِیَ زَوْجَةُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی الْجَنَّةِ ، وَ خَدِیجَةِ بِنْتِ خُوَیْلِدٍ زَوْجَةِ النَّبِیّ صلی الله علیه و آله فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ ، وَ فَاطِمَةِ بِنْتِ مُحَمَّدٍصلی الله علیه و آله» (۱): بهشت، ولع دیدار با این چهار زن را دارد و می گوید که این چهار زن چه وقت در من قرار می گیرند که من دارم از فراق این ها ، می میرم؛ شوق بهشت به این چهار زن است: مریم دختر عمران، آسیهٔ دختر مزاحم، زن فرعون در دنیا و زن بهشتی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در آخرت، خدیجهٔ سلام الله علیها

۱- (۱) ۱. .بحارالانوار، ج۴۳، ص۵۲.

دختر خویلـد، همسـر پیامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم در دنیا و آخرت؛ یعنی ده میلیون حورالعین جای یک خدیجه سـلام الله علیهـا را در قیـامت نمی گیرنـد و به تعبیری، حورالعین آن جا راه نـدارد؛ خـدیجه سـلام الله علیها به جای مُزد حورالعینِ پیغمبر صلی الله علیه و آله وسـلم ، برای پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بس است، و فاطمه سلام الله علیها ، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم .

سلام فرستادن خدا بر خدیجه سلام الله علیها

جبرئیـل علیه السـلام بر پیـامبر صـلی الله علیه و آله وسـلم نازل شـد. پس گفت: «اِقْرَأْ خَدِیجَ ةَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا.» : سـلام من را به خدیجه برسان، پس رسول الله صـلی الله علیه و آله وسلم گفت: «یَا خَدِیجَةُ! هَذَا جَبْرئیلُ یَقْرِئُکَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّکَ» : الآن جبرئیل علیه السلام پیش من است و از جانب خدا به تو سلام

ص:۲۷

می رساند ، پس خدیجه سلام الله علیها گفت : «اللهُ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَی جبْرئیلِ السَّلَامُ». (۱)

بیعت نمودن خدیجه با علی علیه السلام

علی علیه السلام سیزده ساله بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم او را صدا زد و فرمود: علی جان! بیا کنار من بنشین، و به خدیجه سلام الله علیها هم فرمود: خدیج من! شما هم بیا. بعد رو به آن ها گفت: پس از مرگ من، ولایت علی علیه السلام بر جهان واجب می شود و امام بعد از مرگ من، علی علیه السلام است، هر چند الآن او سیزده سالش است و هنوز زمان ولایت او نرسیده، ولی من می خواهم پیش خدا پرونده ات پر و کامل بشود. علی جان! دستت را بگذار روی زمین، و امیرمؤمنان علیه السلام دستش را روی زمین گذاشت. پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم هم دستش را گذاشت روی دست علی علیه السلام ، و بعد به خدیجه سلام الله علیها فرمود، دستت را

۱- ((۱)) ۱. محمد بیومی، سیدة فاطمة الزهراء۳، ص.

بگذار روی دست من، و با علی علیه السلام به عنوان امام واجب الاطاعۀ بیعت کن؛ چون در قیامت اگر در پروندۀ مردم، رضایت علی علیه السلام نباشد، آنان اهل نجات نیستند. خدیجه سلام الله علیها گفت: یا رسول الله! به جان، ولایت علی علیه السلام را می خرم و با علی علیه السلام بیعت می کنم تا آن جا که حاضرم جانم را فدای علی علیه السلام کنم. (۱)این بیعت، یک بیعت صحیح است.

امام مجتبی علیه السلام هم قیاف حضرت خدیجه سلام الله علیها

امام مجتبی علیه السلام در توضیح آیه شریف «فِی أَیِّ صُورَهٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ» (۲): من شما را در رحم مادرتان به هر شکلی که خواستم صورت بندی کردم و قیافه به شما دادم، فرمود: «صَوَّرَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِیَّ بْنِ اَبی طَالِبٍ فِی ظَهْرِ ابِی طَالِبٍ عَلَی صُورَۀِ مُحَمَّدٍ، فَکَانَ عَلَیُّ بْنِ ابِی طَالِبٍ اَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ علیه و آله» (۳): خدا

۱- (۱) ۱. بحارالانوار، ج۱۸، ۲۳۳.

۲- (۲) انفطار:۲ .۸.

۳- (۳) ۱. ابن شهر آشوب شیرازی، مناقب، ج۳، ص ۱۷۰.

در صلب ابی طالب شکل و قیافهٔ علی علیه السلام را به شکل و قیافهٔ پیامبر نقاشی کرد. تا حالا می دانستید علی علیه السلام شکل کیست؟ مگر خدا در قرآن نمی فرماید: علی و پیغمبر، جان هم هستند «وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ» (۱)، «فَکانَ عَلَیٌّ بْنِ ابِی طَالِبٍ اَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللهِ صَلَّی الله علیه و آله » ،و امّا خدواند برادرم حسین علیه السلام را به شکل مادرم فاطمه سلام الله علیها در رحم مادر نقاشی کرد: «وَ کَانَ الْحُسَیْنُ بْنِ عَلَّیٍ اَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطَمَةِ» (۲)، و امّا من را که می خواست در رحم مادرم زهرا سلام الله علیها صورتگری کند، من را به شکل مادر بزرگم خدیجه سلام الله علیها نقاشی کرد: «کُنْتُ أشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِیجَةِ الْکُبْرَی» . (۳)

کار شخصیت این زن و مستقیم شدنش به جایی رسید که ما می خواهیم امام حسین علیه السلام را معرفی کنیم، برخلاف آنچه در دنیا مرسوم است که افراد را با پدرانشان معرفی می کنند، ما اباعبدالله علیه السلام را در

۱- (۱)) ۲. آل عمران:۶۱.

۲- (۲)) ۳. همان.

۳- (۳)) ۴. همان.

دو جا، با مادر معرفی می کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْکَ يَابنَ فَاطَمَهٔ الزَّهْرَاء السَّلَامُ عَلَيْکَ يَابْنَ خَدِيجَهٔ الکَبْرَی» (۱)

نقش ثروت خدیجه سلام الله علیها در برپایی دین اسلام

در روایت دارد که در روز غربت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ، خدیجه سلام الله علیها وزیر صادق پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بود و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در کنار او آرامش می یافت. (۲) با این که خدیجه سلام الله علیها پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ، زنی ثروتمند بود، تمامی بیست میلیون دینار ثروت خود را در مسیر و راه پیغمبر هزینه کرد. ابن عباس در تفسیر آیهٔ «وَ وَجَدَکَ عَائِلًا فَأَغْنَی» (۳) فرموده: خداوند می گوید: خداوند تو را پیش قومت، فقیر یافت بی آن که مالی برای تو باشد، پس با مال خدیجه تو را بی نیاز کرد. (۴) پیغمبر نیز درتجلیل این

۱- (۱) ۱. شیخ طوسی، مصباح المجتهد، ص ۷۲۰.

۲- (۲) ۲. ابن سیدالناس، عیون الاثر، ج ۱، ص ۱۷۱- بحارالانوار،ج۱۶، ص۷.

۳- (۳) ۳. ضحی:۸.

۴- (۴) ۴. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۱۳۰.

فداکاری فرمود: «مَا قَامَ وَ لَا اسْتَقَامَ دِینِی الَّا بِشَیْئَیْنَ : مَال خَدِیجةِ وَ سَیْفِ عَلِیِّ بْنِ ابِی طَالِبٍ» (۱): این دین به مال خدیجه سلام الله علیها و شمشیر علی علیه السلام تا روز قیامت پا بر جا شد؛ یعنی پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ثواب مال خدیجه سلام الله علیها را گذاشت کنار شمشیر علی علیه السلام . در پاسخ به این تلاش ها و یاری ها بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم خدیجه سلام الله علیها را به پاداش خانه ای در بهشت بشارت داد، خانه ای از یک قطعه (از زبرجد) در بهشت که در آن رنج و ناآرامی نیست. (۲) خدیجه سلام الله علیها تمام سختی ها را همراه پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم تحمّل کرد و تمام هزار شبانه روزی که حضرت صلی الله علیه و آله وسلم در شعب ابی طالب حبس بود، این بانو خم به ابرو نیاورد. این زن، هزار شبانه روز، تشنه، گرسنه و پابرهنه در محاصرهٔ دشمن به سرآورد و در این مدّت، همیشه به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می گفت: جان من فدای تو باد!

۱- (۱)) ۱. شیخ محمد مهدی حائری، شجرهٔ طوبی، ص۲۳۳.

۲- (۲)) ۲. بحارالانوار،ج۱۶، ص۸.

او که از آن هزار شبانه روز محاصره، به درآمد، از بس که در این محاصره زجر دیده بود، بیمار شد و به مرگ نزدیک گشت. (۱)

زبان حال خدیجه سلام الله علیها هنگام مرگ

بیماری خدیجه سلام الله علیها که شدت گرفت، پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به نزد او رفت و کنار بسترش نشست. خدیجه سلام الله علیها گریه می کرد. پیغمبر سلام الله علیها فرمود: خدیجه جان! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: الان که لحظات آخر عمرم است، فقط برای یک مسأله گریه می کنم و آن این است که نمی دانم الآن که دارم می میرم، آیا خدا از من راضی است یا نه؟ جبرئیل علیه السلام نازل شد و فرمود: یا رسول الله! خدا می فرماید، سلام من را به خدیجه سلام الله علیها برسان و بگو، من از تو راضی هستم. خدیجه شاد شد. بعد خدیجه سلام الله علیها گفت: آقا! من خواهشی از شما دارم، ولی خجالت می کشم آن را به شما بگویم؛ شما از اتاق بیرون بروید تا من آن را به دخترمان

۱- (۱)) ۱. بحارالانوار، ج۱۸، ص۲۳۳.

فاطمه سـلام الله علیها بگویم تا او بعداً آن را به شما بگوید. خدیجه سلام الله علیها فاطمهٔ پنج ساله را صدا کرد و از او خواست که کنـارش بنشـیند. سـپس به او گفت: فاطمـهٔ من! من می خواهم به خانـهٔ قبر بروم و به عـالم برزخ داخـل شوم، برای محفوظ مانـدن من از عـذاب قبر و برزخ، تو به پـدرت بگو مرا در عبای خودش بپیچد و کفن کند. فاطمه جان! می دانی پدرت در این عبا چقـدر خـدا را عبادت کرده؟ فاطمه سـلام الله علیها گفت: چشم مادر. فاطمه سـلام الله علیها بیرون آمد و گفت: پدر! مادر می گوید من را در عبای خودت کفن کن! پیغمبر فرمود: فاطمه جان! چشم، و عبای خود را به او داد. فاطمه سلام الله علیها آن را برای مادر بُرد و مادر از دیدن آن، بسیار خوشحال شد.

هنوز سه روز از وفات ابوطالب علیه السـلام نگذشـته بود که خدیجه سـلام الله علیها هم وفات یافت. پیغمبر صلی الله علیه و آله وسـلم شـروع کرد به این که جسم شـریف آن حضـرت را آمادهٔ سـفر آخرت نمایـد، همین که خواست حضـرت را کفن کند، جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: در میان این بقچه، کفن خدیجه سلام الله علیها است از لباس های بهشتی که خداوند آن را به او هدیه نموده. بعد بقچه ای به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم داد و گفت: یا رسول الله!

خدا پنج کفن فرستاده که اولین آن ها متعلّق به خدیجه سلام الله علیها است. اما عبایی که از تو خواسته، نخست، رویش را با آن بپوشان و بعد او را با کفنی که من داده ام، بپوشان. دومین این کفن ها هم متعلّق به دخترت فاطمه سلام الله علیها است و یکی از آن ها هم متعلّق به خودت است، و چهارمین آن ها هم متعلّق به علی علیه السلام است و پنجمین آن ها هم متعلّق به حسن علیه السلام تو است. (۱) پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که نمی خواست فاطمه سلام الله علیها شاهد مرگ مادرش باشد، فاطمه سلام الله علیها را بغل کرد و به خانهٔ ابوطالب برد و او را به زن عمویش، فاطمه بنت اسد، مادر علی علیه السلام ، سپرد. بعد هم برگشت سر خدیجه سلام الله علیها را به دامن گرفت. خدیجه سلام الله علیها از دنیا رفت. هنگام مرگ، فرشتگان به استقبال حضرت آمده بودند. (۲) سپس جسد مطهّر خدیجه سلام الله علیها را با یارانش به حجون بردند تا او را در کنار قبر مادرش، حضرت آمنه، به خاک بسپارند. هنوز نماز میّت تشریع نشده بود، برای همین خود

۱- (۱) ۱. شجرهٔ طوبی، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲- (۲) ۲. نمازی، مستدرک سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۳۵.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درآن قبری که برای حضرت خدیجه سلام الله علیها آماده کرده بودند، رفت و خوابید و سپس بیرون آمد. بعد آن گوهر پاک را در آن جا به خاک سپرد و او با ملکوتیان هم نشین شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که به خانه رفت، پیوسته فاطمهٔ خردسال به گرد پیامبر می چرخید و سراغ مادرش را می گرفت، و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نمی دانست به او چه بگوید تا این که جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: پروردگارت به تو دستور می دهد که بر فاطمه سلام الله علیها سلام کنی و به او بگویی که مادرت در میان آسیه، زن فرعون، و مریم، دختر عمران، به سر می برد، در خانه ای از تارهای طلا و نقره که چارچوب هایش، از طلا و ستون هایش، از یاقوت قرمز است. پس فاطمه سلام الله علیها گفت: «اِنّ اللّه هُوَ السَّلَامُ و مِنْهُ السَّلَامُ و الَیْهِ السَّلَامُ ». (۱)

۱- (۱)) ۱. تبریزی انصاری، اللمعهٔ البیضاء، ص۲۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹